

**نویسنده:** فلیپ جیرالدی (Philip Giraldi) .  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ « 2018-08-23 » .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## ترک افغانستان آسان نخواهد بود Leaving Afghanistan won't be easy



ورود و یا داخل شدن به افغانستان آسان بود ، نیروهای ویژه ای ایالات متحده آمریکا و نیروهای سازمان (سی آی ای) در کار و اتحاد با قوت های اتحاد شمال ضد طالبان به سرعت مقاومت را درهم کوبیدند که منجر به سقوط پایتخت افغانستان کابل شد. نیروهای دریایی و ارتش آمریکا به سرعت و با پیگیری ماموریت خود را تمام میکنند که من در آن زمان یعنی در اواخر ماه دسمبر سال (2001) به کابل رسیدم ، سفارت آمریکا و ایستگاه (سی آی ای) هر دو در کابل در حال اجرای ماموریت های محوله خود بودند و بطور جدی و کامل کار میکردند. و بعد از چندی به زودی در این کشور یک دولت موقت در تحت رهبری حامد «کرزی» بعنوان رئیس جمهور موقت افغانستان روی کار آمد او یعنی حامد کرزی که به زبان انگلیسی خوب صحبت میکند به منزله یکی از نامزدهای بهترین برای مقام ریاست جمهوری یک گزینه ای بود .  
اسامه بن لادن و بسیاری از طالبان با اطمینان خاطر به دلیل تصمیمگیری بزدلانه ای

جنرال تومی فرانکس (G. Tommy Franks) در جنگ توره بوره به پاکستان فرار کردند- از جانب دیگر در آن زمان نظر به وضعیت و شرایط موجود امریکا میتواند که نیروها و یا ماموران نظامی توظیف شده ای خود را از افغانستان فراخواند و کشور را به افغان ها واگذارد، ولی دولت بوش فکر دیگری کرد و تصمیم گرفت که برای مدتی در افغانستان باقی بماند تا وضعیت را تثبیت کند، «دموکراسی» را بسازد، پس با در نظر داشت همین اجندا اودر حدود (100) هزار سرباز خود را توأم با نیروهای مربوط پیمان «نا تو» متحد استراتژیک اش در افغانستان یعنی در کشور در نهایت خاتمه یافته مستقر ساخت تا هرگونه خیزش ها و طغیان مجدد طالبان و جنگجویان القاعده را در گوشه و کنار این کشور سرکوب و سر به نیست کند و نیز به بازسازی مجدد ارتش افغانستان بپردازد.

همچو وضع فوق (17) سال قبل در افغانستان حکمفرما بود ولی اکنون در حدود (14000) سرباز امریکایی در افغانستان حضور دارند و در طول همین مدت در حدود (2000) سرباز امریکایی و (90000) افغان در جریان بازسازی و ساخت دوباره افغانستان کشته شدند و بیش از یک میلیون افغان های دیگر پناهنده شدند، ارتش افغانستان همین اکنون در حال مبارزه قریب تا (30) فیصد سربازان خود را به نسبت فرار از صفوف ارتش در سال ازدست میدهد و برخی دیگر از آنها به ارتباط طالبان سوالاتی را مطرح میکنند و آن اینکه چطور این گروه کوچک و فقیر و تنگ دست ناتربیه شده و ناآموزش دیده از فن و مهارت های نظامی اینقدر توانمند شده اند که بیش از «1/3» حصه کشور را در تحت تصرف خود دارند و القاعده نیز در گوشه و کنار کشور باقی بوده و افزون بر آن جنگجویان مربوط دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (داعش) نیز اینجا در افغانستان ظهور میکنند یعنی که آنها بعد از آنکه از عراق و سوریه رانده شده اند به اینجا آمده اند.

اگرچه که دونالد ترومپ رییس جمهور امریکا توصیه ها و مشوره های جنرال های خود را می پذیرد و یا مشوره های آنها را می شنود و متعهد میگردد که به تاسی از آن تعداد سربازان امریکا را در افغانستان نیز افزایش داد، ولی عده دیگر درواشنگتن به این باور هستند که او یعنی دونالد ترومپ به دنبال راهی برای خروج سربازان امریکا از افغانستان تا پایان سال یعنی تا قبل از انتخابات ماه نومبر است.

پس اگر اینطور باشد، مذاکرات اخیر بین دیپلمات های امریکایی و نمایندگان طالبان قابل توجه است، که معضله و کشاله افغانستان منجر به حل و فصل سیاسی شود که طالبان نقش تعیین کننده ای در تدارک حکومت جدید داشته باشند، ولی باید که در این مورد شکاک بود از اینکه چنین قراردادها یا تعهدات ارزش مقاله ای ندارند که بروی آن مقالات نوشته شده است که طالبان با گذشت زمان شرکایی ضعیف از ائتلاف خود در جای باقی بگذارند.

## جنگ در افغانستان یک راکت است :

به نظر کسانی که آنچه میرسد که حضور دائمی قوت های نظامی امریکا در افغانستان ذریعه نیروهای هوایی آن کشور «امریکا» حمایت و پشتیبانی میشوند ، چنین استدلال مینمایند و معتقد اند که دلایل هنگفتی برای حل معضله افغانستان وجود دارد و استدلال اساسی این است که طالبان اسلامگراها را باید از روی ضرورت از بین برد و یا ضرورت آن دیده میشود که آنها را باید نابود کرد و از سوی هم استدلال میشود که ظهور «داعش» و تدوین وجود بقایای القاعده نشان میدهد که تا هنوز یک تهدید تروریستی واقعی وجود دارد، پس با در نظر داشت این اصل مسئله جیواستراتژیک همواره یک خواست مبرم و مفید است و نقش روبه رشد چین در تلاش برای ایجاد «جاده ابریشم جدید» از طریق افغانستان به غرب باید نظارت شود تا این امر به یک همترازی سیاسی جدید در آسیای مرکزی منجر شود، **چین** البته که یک تهدید بیش از حد افقی در مقابل هژمونی نظامی امریکا است که با در نظر داشت همین اصل مجتمع صنعتی نظامی امریکا ارزو میکند که پول را به خزانه های پیمانکاران نظامی و کنگرس میان (اعضای کنگره) بخاطر دفاع و سد شدن این برنامه های **چین** بریزاند .

مشکلات و یا پرابلمهای متعددی پیرامون تفکر دواطلبانه در افغانستان وجود دارد که در حال ارتقا میباشد و یا پیشرفت کرده است :

**اول:** نخست از همه هیچ نشانه های وجود ندارد که ارتش افغانستان هرگز تاثیر گذار و یا کارایی ترویا موثرتر شود ، به این معنی که هر چه باشد طالبان همچنان به قدرت و توان خود می افزایند و به تصرف و کنترل قلمرو در دست داشته خود بگونه استوار ادامه میدهند تا زمانیکه دوباره قدرت دولتی در افغانستان را از آن خود کنند پس تلاش بخاطر جلوگیری از پیشرفت طالبان و یا سد راه آنها با صرف پول یک مشق و چال ضعیف و بیهوده است .

**دوم:** تهدید تروریستی بیش از حد است هم القاعده و هم «داعش» بازیگران غیر دولتی هستند که فقط در افغانستان و پاکستان قابل دسترس هستند آنها با طالبان همدست و رفیق نیستند و آن اینکه هرگونه دولت طالبان قدرت دولتی خود را با آنها به اشتراک نمیگذارد لذا با در نظر داشت این تفسیر که اگر القاعده مجدداً در افغانستان مستقر شود امریکا ناگزیر خواهد شد که با بمباران قوی و نیرومند خود کابل را به عهد عتیق و یا به سن حجر برگرداند .

**سوم:** اینکه **چین** چیزی جدی نخواهد داشت که واشنگتن آن را تماشا کند و یا تماشا نکند، **پکن** موفق به استثمار از شکل خود از امپریالیزم اقتصادی شده است یعنی که بهره از شکل امپریالیزم اقتصادی خود بدست آورده است و در همسایگی افغانستان قرار دارد - سفارت قدرتمند ایالات متحد امریکا که توسط چند هزار نیروی نظامی حمایت

میشود این حمایت دوام خواهد داشت و کدام تغییری رونما نخواهد شد. **بنا بر این خروج**  
**از افغانستان بسیار سخت تر از ورود یا دخول است** و چنین به نظر میرسد که  
ارتش امریکا در یک منجلاب درگیر مانده است که در آن درگیری بیشتر اجتناب از شکست  
است که هر آن زمینه خفگان برای امریکا را فراهم میکند، حضور گسترده ایالات متحده  
امریکا در افغانستان کمی بیشتر از ایجاد گروه از گروگان های در یک سیاست است که  
کار نمیکند و در حال حاضر هزینه تریلیون دلار وام گرفته شده است لذا وقت آن رسیده است  
که به حضور نیروها خاتمه داده شود و افغانستان را ترک کرد، افغان ها مردمان آزاد  
و مستقل هستند، آنها متجاوزین را خوب می شناسند و زمانیکه ملاحظه کردند که توسط  
ارتش خارجی اشغال شده اند پس بگونه موفقانه به مقامت پرداخته اند که میتوان شکست  
لشکر الکساندر کبیر، مغول ها، امپراتوریهای مغولی هند، امپراتوری بریتانیا و شوروی  
ها را بخاطر آورد که افغان ها در مقابل این بیگانه ها چسان مقاومت کرده اند که بالاخره  
ویا در نهایت امر نیروی های ایالات متحده امریکا نیز در این سرزمین از بین خواهند  
رفت لذا زمان برای امریکا این خواهد بود که هرچه زودتر از همه چیزها درس  
بیاموزد و پلگ (Plug) را از وال ساکت (wall socket) عا جلاً بکشد.

----- **با تقدیم سلامها (2018-08-26)**